

بسمه تعالی

چگونه جنگ در ایران چشم‌انداز انرژی را تغییر می‌دهد

How the war in Iran is reshaping the energy landscape

با افزایش قیمت‌ها و تلاش دولت‌ها برای پاسخگویی، این بحران بر نیاز فوری به بازنگری در امنیت انرژی تأکید می‌کند.



عایشه الصریحی (۲۴ مارس ۲۰۲۶)



تصویر ماهواره‌ای از تنگه هرمز، مسیرهای حمل و نقل نفت را قبل از بسته شدن آن در ۲ مارس نشان می‌دهد. (منبع :
(Alones Creative/Getty

تنگه هرمز در خاورمیانه برای اولین بار در ۲ مارس، چند روز پس از حملات ایالات متحده و اسرائیل به ایران، بسته شد و یک شوک انرژی جهانی را به همراه داشت. یک پنجم تجارت جهانی نفت و گاز از طریق این کریدور دریایی باریک که ایران را از امارات متحده عربی و عمان جدا می‌کند، جریان دارد - معادل تقریباً ۲۰ میلیون بشکه در روز. بحران فعلی نگرانی‌ها در مورد بازارهای جهانی انرژی و امنیت را دوباره زنده می‌کند.



زخم‌های جنگ قرن‌ها باقی می‌مانند: چگونه درک ما از آسیب‌های جمعی باید تغییر کند.

در عرض چند هفته، قیمت نفت در سراسر آسیا، اروپا و ایالات متحده افزایش یافته است و اثرات آن در پمپ‌های سوخت در سراسر جهان دیده می‌شود. شرکت‌های بیمه پوشش دریایی را به حالت تعلیق درآورده‌اند یا حق بیمه ریسک تانک‌رهای که از منطقه عبور می‌کنند را افزایش داده‌اند. شرکت‌های کلیدی نفت و گاز با اعلام وضعیت اضطراری، خود را از تعهدات خود برای تأمین حجم قراردادی نفت، گاز و فرآورده‌های نفتی به خریداران‌شان رها کرده‌اند.

اقتصادهای واردکننده به سرعت واکنش نشان داده‌اند، به ویژه در آسیا که مقصد ۸۰ درصد از نفت و فرآورده‌های نفتی است که از تنگه عبور می‌کنند. دولت ژاپن آزادسازی نفت از ذخایر استراتژیک خود را آغاز کرد - اقدامی که معمولاً با سایر کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی هماهنگ می‌شود. پاکستان، ویتنام و تایلند شیوه‌های کار از خانه را برای کاهش مصرف سوخت تشویق می‌کنند. چنین اقداماتی می‌تواند بازارها را آرام کند، اما اگر اختلالات عرضه ادامه یابد، ناکارآمد خواهند بود. به عنوان مثال، ذخایر نفت ژاپن می‌تواند حدود هشت ماه از آن پشتیبانی کند. اتکال مکرر به مداخلات اضطراری می‌تواند منجر به نوسانات قیمت و دلسردی از سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی و مسیرهای تجاری شود و آسیب‌پذیری‌های ساختاری در امنیت انرژی را عمیق‌تر کند.

سایر صنایع کلیدی که به هیدروکربن‌ها وابسته هستند، امواج شوک را احساس می‌کنند. کشورهای حوزه خلیج فارس تقریباً ۳۵ درصد از تولید کود جهانی را تشکیل می‌دهند، یک سوم هلیوم جهان را استخراج می‌کنند و تقریباً نیمی از گوگرد آن را تولید می‌کنند.

ضرورت اتخاذ راه‌کارهای طولانی مدت

در حالی که جهان با اثرات فوری این بحران دست و پنجه نرم می‌کند، باید راه‌حل‌های بلندمدت‌تری برنامه‌ریزی شود.



❖ **اول،** تولیدکنندگان نفت و گاز خلیج فارس باید مسیرهای تجاری را متنوع کنند تا وابستگی به گلوگاه‌های آسیب‌پذیر را کاهش دهند. بیشتر نفت خلیج فارس از تنگه هرمز عبور می‌کند. تنها چند مسیر از آن عبور می‌کنند. عمان از سال ۲۰۲۲ به دنبال تنوع‌بخشی بوده است، مانند سرمایه‌گذاری در بندر دقم و تأسیسات ذخیره‌سازی نفت راس مرکز و شبکه خط لوله.

سایر زیرساخت‌های خط لوله، ذخیره‌سازی و بندر مورد نیاز است. این کار صدها میلیارد دلار هزینه خواهد داشت. بار مالی نباید صرفاً بر دوش کشورهای تولیدکننده باشد. مصرف‌کنندگان جهانی باید مشارکت کنند تا تاب‌آوری جریان‌های تجاری در درازمدت تضمین شود. کشورهای خلیج فارس باید با هم همکاری کنند تا سرمایه‌گذاری‌های تاب‌آوری را با تهدیدات ژئوپلیتیکی بالقوه هماهنگ کنند. آنها می‌توانند از سرمایه‌گذاری‌های مشترک ژئواستراتژیک در زیرساخت‌های انرژی توسط برخی از کشورهای اتحادیه اروپا درس بگیرند. به عنوان مثال، شبکه خط لوله نورد استریم بین روسیه و آلمان توسط کنسرسیومی از شرکت‌های انرژی اروپایی در کنار شرکت دولتی گازپروم روسیه تأمین مالی شد. اختلالات در خط لوله پس از حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ و تمایل به تنوع‌بخشی به منابع تأمین گاز روسیه، کشورهای اتحادیه اروپا را به همکاری برای ساخت شبکه‌های جدید گاز طبیعی مایع سوق داد. محققان و تحلیلگران باید ارزیابی‌های امکان‌سنجی

جامعی را انجام دهند که ابعاد مهندسی، اقتصادی و مالی را در بر می‌گیرد تا قابلیت اطمینان فنی، الزامات زیرساختی، ساختارهای هزینه و خطرات تجاری را ارزیابی کنند.

❖ **دوم،** تقویت زنجیره‌های تأمین. هماهنگی نزدیک بین شرکت‌های کشتیرانی، دولت‌ها، تولیدکنندگان نفت و گاز، بیمه‌گران و شرکت‌های لجستیکی برای مدیریت خطرات دریایی و حفظ جریان سوخت در دوره‌های بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی مورد نیاز است. عملیات نظامی و اسکورت‌های دریایی، مانند آنچه ایالات متحده برای تأمین امنیت ترافیک دریایی از طریق تنگه هرمز پیشنهاد کرده است، ممکن است راه‌حلی ارائه دهند. اما آنها لزوماً در طول تنش‌ها موفق نیستند و در درازمدت یک راه‌حل پایدار نیستند. زنجیره‌های تأمین نباید در طول درگیری‌ها به سلاح تبدیل شوند. دولت‌ها باید تنش‌زدایی و دیپلماسی را در اولویت قرار دهند تا به علل ریشه‌ای درگیری بپردازند و در عین حال پایبندی به قوانین بین‌المللی و اصل آزادی ناوبری را تقویت کنند.



همزمان با عبور از مرز ۱.۵ درجه سانتیگراد، باید محدودیت‌های دما را با اهداف انرژی پاک جایگزین کنیم.

❖ **سوم،** ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر را گسترش دهید. بحران کنونی نشان داده است که جهان چقدر از انتشار صفر خالص دور است. کشورهای خاورمیانه در موقعیت خوبی برای ظهور به عنوان یک قطب جهانی برای انرژی پاک قرار دارند و از منابع فراوان خورشیدی و بادی در کنار استراتژی‌های بلندپروازانه هیدروژن بهره می‌برند. کشورهایی مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی و عمان در حال حاضر سرمایه‌گذاری‌های زیادی در پروژه‌های بزرگ تجدیدپذیر و تولید هیدروژن سبز انجام می‌دهند و هدف آنها تنوع بخشیدن به صادرات انرژی خود فراتر از هیدروکربن‌ها است. در کشورهای شکننده‌ای مانند لبنان، سوریه و عراق، استفاده غیرمتمرکز از انرژی‌های تجدیدپذیر، به ویژه پنل‌های خورشیدی روی پشت بام‌ها، به عنوان یک پاسخ عملی به قطعی برق و کمبود سوخت در حال افزایش است.

انرژی هسته‌ای نیز اغلب به عنوان یک منبع پایدار برق مورد توجه قرار می‌گیرد. اما تهدیدات اخیر علیه تأسیسات هسته‌ای در ایران و اوکراین، نگرانی‌هایی را در مورد ایمنی و آسیب‌پذیری زیرساخت‌های هسته‌ای در طول درگیری‌های مسلحانه و همچنین تکثیر مواد هسته‌ای غنی‌شده که ممکن است در سلاح‌ها استفاده شود، ایجاد می‌کند.

جنگ کنونی نشان می‌دهد که گذار به سوی سیستم‌های انرژی پاک‌تر فقط یک ضرورت زیست‌محیطی نیست: بلکه کلید تاب‌آوری اقتصادی و ژئوپلیتیکی بلندمدت است.

Nature ۶۵۱, ۸۵۶ (۲۰۲۶)

doi: <https://doi.org/10.1038/d41586-026-00932-y>